باغ فرهنگ و هنر اسلامی ندوشن

علی اکبر جعفری ندوشن

دکتر اسلامی ندوشن باغ ده‌هزارمتری خود را در صدرآباد ندوشن به مؤسسه مردم‌نهاد فرهنگی و اجتماعی «اندیشه روشن» اهدا کرد تا مصروف فعالیت‌های فرهنگی گردد. نیکمرد فرهنگ‌گستری که همهٔ عمر پربرکتش با قلم توانای خود فرهنگ و ادب این سرزمین را سقایت کرده و آوازه دانش و قلمش مرزهای ایران فرهنگی را درنوردیده است، اکنون که به حکم طبیعت و ناتوانی جسمی، بازنشستگی قلمی خود را می‌گذراند، همچنان در اندیشه خیرخواهی فرهنگی این دیار است و از این روی، با هدیه باغ باطراوت و پرخاطره‌ای که برگهای رنگین و پرشور نوجوانی کتاب «روزها»ی زندگی او را در خود جای داده است، فرهنگ‌یاوران دیار آبا و اجدادی خویش را در تأسیس و ترویج فرهنگ و هنر زندگی‌بخش یاری داد.

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن سالها پیش نیز با اهدای خانه پدری خود به فرهنگ ندوشن، به یاری همسر دانشورش ـ بانو دکتر شیرین بیانی ـ زمینه بنیاد «خانه فرهنگ و هنر» این شهر کوچک تاریخی را فراهم کرد که در بر دارندهٔ کتابخانه، نگارخانه، تالار نمایش است.

باغ ده‌هزار متری مذکور که عمارتی کهنسال نیز دارد، در صدرآباد ندوشن واقع است؛ قصبه‌ای در ۱۰کیلومتری ندوشن که ۲۰۰ سال پیش ملا نظرعلی ملقب به «شیخ‌الاسلام» ـ جد پدری دکتر اسلامی ـ بنیانش گذاشت. مرحوم شیخ‌الاسلام روحانی متعین و سرشناسی بود که وزیر و مشاور ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه ـ حاکم اصفهان ـ محسوب می‌شد و چون ظل‌السلطان به تحریک انگلیسی‌ها و مشورت با حسینقلی‌خان ـ از رؤسای بختیاری ـ تصمیم گرفت با پدر تاجدارش بجنگد، ملا نظرعلی ندوشنی او را از این کار منع کرد، اما موفق نشد. هنگامی که ناصرالدین‌شاه از این واقعه اطلاع یافت، به ظل‌السلطان دستور داد: «یا سر خودت را می‌فرستی یا سر حسینقلی‌خان را!» پیداست که شاهزاده چه کرد و راهی تهران شد؛ شاه قاجار از سر خشم دستور داد تا چشمان فرزند خطاکار را از حدقه درآورند، ولی با میانجیگری ملا نظرعلی، از این کار منصرف شد و همین امر دامنه نفوذ و ارتباط مؤثر شیخ‌الاسلام با دستگاه حاکمه را بیشتر کرد.

او که در نزد اهالی ندوشن به «حاجی آخوند» نیز شهرت داشت، در کنار مسئولیت‌های مرسوم روحانیت، با استفاده از املاک و مستغلاتی که در ندوشن و روستاها و مزارع اطراف داشت، به کشاورزی و مزرعه‌داری نیز اشتغال می‌ورزید. فرزند ذکورش آقامهدی حاج‌آخوند ـ پدر دکتر اسلامی ـ به آسم شدید مبتلا بود و زود از جهان رفت و نتوانست راه او را ادامه دهد؛ اما دامادهایش صدرالشریعه و وکیل‌الرعایا او را در بسیاری از امور یاری می‌دادند. آیت‌الله محمداسماعیل صدرالشریعه مدارج عالی علمی را تا اجتهاد در اصفهان در محضر آیت‌الله آقانجفی اصفهانی (درگذشتهٔ ۱۳۳۲ق) گذراند و سالها امامت مسجد جامع ندوشن را عهده‌دار بود و فرزندش جواد صدر (مشهور به ادیب ندوشنی) از نخستین قضات و وکلای دادگستری به شمار می‌رفت. محمدهادی وکیلی (معروف به حاج‌وکیلی) پسرعمه و شوهرخواهر دکتر اسلامی که فرزند وکیل‌الرعایا بود، پس از درگذشت حاجی آخوند، سرپرستی خانواده وی را به عهده گرفت و چند دهه مالک‌الرقاب صدرآباد محسوب می‌شد. پس از او این آبادی به روستای مستقلی تبدیل گشت که رعایا و کشاورزان این خاندان در آن سکنی داشتند.

باری، این باغ و عمارت «باغ برجی» متعلق به جد مادری اسلامی ندوشن ملامحمد امام‌جمعه بود که هرچند عنوان امامت جمعه و جماعت را داشت، کمتر در این سمت ظاهر شد و بیشتر در قامت روحانی اهل شعر و سلوک شناخته می‌شد که برخی از مراثی نغز و عرفانی‌اش سالها در عزاداری‌های سنتی ندوشن خوانده می‌شد. او برزگری می‌کرد و فرزندانش حاج‌عبدالرضا، بی‌بی‌سلطان و بی‌بی‌خاور (دایی و خاله و مادر اسلامی ندوشن) هر یک به گونه‌ای از علایق ادبی و عرفانی پدر سهمی برده بودند. از آنجا که سرانجام باغ‌برجی به عنوان میراث مشترک فرزندان امام‌جمعه به تنها نوه نامدارش دکتر اسلامی ندوشن رسید، او نیز آن را به نیت جد فرهنگ‌مدار خود صرف امور فرهنگی نمود.

استاد اسلامی ندوشن ساعات سرخوشی از کودکی و نوجوانی خود را در آغوش طبیعت باصفای این خانه‌باغ گذرانده و خاطرات زیادی از آن را در کتاب مستطاب «روزها» به قلم آورده است که هنوز نشانه‌هایی از آن در گوشه گوشهٔ این باغ سو سو می‌زنند.

یاران «مؤسسه اندیشه روشن ندوشن» به پاس بزرگواری و دهش آقای دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، همت خود را مصروف احیا و بازسازی این خانه باغ کردند تا آن را به نام نامی این سرو تناور فرهنگ و ادب ایران‌زمین به باغ فرهنگ و هنر تبدیل کنند و از آن، مرکز نشر نشاط و سرور فرهنگی بسازند. بی‌شک کمک علاقه‌مندان در توسعه این یادگار فرهنگی مغتنم خواهد بود. فرهنگ ایران همواره با همین فانوس‌های روشن امید، سرپا مانده و راه را از بیراه بازشناخته است.

دستی به طلب فراشتیم و رفتیم
خطی به هوس نگاشتیم و رفتیم
هِشتیم هر آنچه داشتیم و رفتیم
سر بر سر هم گذاشتیم و رفتیم
(اسلامی ندوشن)

قفسه‌های فلسفه!

احمد راسخی لنگرودی

چندی است فلسفه در ایران بیش از دهه‌های گذشته چهره خود را در کتاب‌های ترجمه نشان می‌دهد؛ ترجمه پشت ترجمه. چندان که قفسه‌های فلسفه در کتابفروشی‌ها و فروشگاه‌های کتاب پر است از کتاب‌های ترجمه، و همین‌هاست که قفسه‌های فلسفه را کمی رونق بخشیده است؛ مشحون از کتاب‌های متنوع؛ با عناوینی جذاب که هر یکی کافی است مشتریانی را با یک نگاه به جانب خود بکشاند. مثل بسته‌بندی‌های جذاب و خیره‌کننده محصولات خارجی و آدم هوس می‌کند چندتایی از آنها را در سبد خرید روزانه‌اش قرار دهد!

این روزها آن اندازه که کتاب‌های فلسفی ترجمه می‌شود، تألیف صورت‌نمی‌گیرد. در مقام مقایسه شاید نسبت یک به ده باشد؛ شاید هم خیلی بیشتر. البته اینکه ترجمه آثار فلسفی این روزها در صنعت نشر بیش از پیش رواج یافته است، خوب است، اما نباید به قیمت کم‌فروغ شدن آثار تألیفی تمام شود، که در آن صورت ممکن است خدای ناکرده آثار فلسفی نیز به سرنوشت تولیدات خارجی و محصولات تکنولوژی دچار شده باشند؛ به این معنا که آنچه از ذهن خارجی تراوش می‌کند، شهد ناب است و آنچه از ذهن نویسنده داخلی می‌تراود، کم‌اهمیت و یا بی‌ارزش در اذهان جلوه‌گر می‌شود!

گذشته از این مطلب، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید و می‌توان آن را کاملا متفاوت با گذشته یافت، عناوین کتاب‌های فلسفی است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، کتاب‌های فلسفه عناوینی این‌چنین جذاب، فانتزی و پرزرق و برق نداشته‌اند؛ اگر بگویم نوظهور، شاید چندان گزاف نگفته باشم. این امر به طور محسوسی بر بازاریابی و فروش کتاب‌های فلسفی افزوده است. در چنین موقعیتی، تازه دستگیرمان می‌شود که نظر استفن هاوکینگ (۱۹۴۲ـ۲۰۱۸) چقدر شتابزده بود وقتی که گفت: «فلسفه مرده است!» درحالی که شواهد نشان می‌دهد فلسفه نمرده و هیچ‌گاه نمی‌میرد. این علم کاملا زنده است و با ما زندگی می‌کند.

برخی از عناوین کتاب‌های فلسفی چنان خیره‌کننده است که آدم وسوسه می‌شود به هر قیمتی که شده، آن را بخرد و در دم بخواند. این‌که این کتاب‌های ترجمه با این عناوین فریبنده چه نثری و چه محتوا و کیفیتی دارند، فرصت مستقلی می‌طلبد که باید در جای خود بدان پرداخت. این روزها وقتی عناوین جذاب کتاب‌های فلسفی به چشم می‌خورد، آدم یاد تیترهای روزنامه‌های ورزشی می‌افتد که برای جذب مشتری در عنوان‌سازی دست به چه ابتکاراتی می‌زنند و چه بازی‌هایی با تیتر می‌کنند؛ چندان که عابران ورزش‌دوست را صبحگاهان در کیوسک مطبوعات سر پا نگه می‌دارند. در دوره‌ای نه چندان دور کتاب‌های فلسفی عنوان‌دار از این جنس آنقدر اندک بود که از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. کتاب معروف «دنیای سوفی» نوشته یوستین گوردر را به یاد داریم که خواننده را در قالب داستانی ساده با مسائل بنیادی فلسفه آشنا می‌کرد و زمانی بسیار خوانده می‌شد و در جمع علاقه‌مندان دست به دست می‌چرخید. امروزه از این قبیل کتاب‌های فلسفی ترجمه‌ای فراوان می‌توان یافت و با خواندنش در دنیای پهناور فلسفه سرک کشید.

◆

***خواندن سفرنامه در سفر لطف دیگری دارد و همزمان سفری دوگانه را تجربه می‌کنیم: سفری با پای خود و سفری با قلم نویسنده. سفرنامه‌ها نشان می‌دهند بزرگان در سفر چه می‌کردند، به کجاها می‌رفتند، چه آثاری را از نظر می‌گذراندند، با چه کسانی نشست و برخاست داشتند و...**

◆

البته این عناوین پرزرق و برق‌دار ابتکار مترجمان نیست. غالبا کار خود نویسنده یا ناشر اصلی است تا رونقی به دنیای کتاب‌های فلسفی داده باشند؛ آن‌هم کتاب‌های خشک و دشواری که غالبا کم‌مشتری هستند و کمابیش به متخصصان گوشه‌نشین اختصاص دارد که با مباحثی بی‌پایان خود را مشغول داشته و چندان ارتباطی با دنیای واقعی و زندگی مردم عادی ندارند.

این عنوان‌های چشم‌پرکن و بازاری هر چه که باشد، در جذب مشتری و جلب مخاطب خوب است. مگر فلسفه چه چیزی از سایر رشته‌ها کم دارد که جنبه همگانی به خود نگیرد! آیا خوب است که چنین سرمایه گرانسنگی مثل همیشه گوشه انزوا اختیار کند و در متن زندگی جایی برای خود باز نکند؟ مسلما فلسفه‌ای موفق است که به کار زندگی بیاید و گره‌ای از گره‌های کور زندگی باز کند و نه فقط با تعابیر خاص در باره مفاهیمی بحث کند که کسی از آن سر درنیاورد. به قول مولوی:

فکر آن باشد که بگشاید رهی
راه آن باشد که پیش آید شهی

قطعا کتاب‌هایی با چنین عناوین و موضوعاتی، با این هدف پا در بازار نشر گشوده‌اند که جایی در میان جماعت کتابخوان باز کنند. حال چقدر در این راه موفق بوده‌اند، بحث دیگری است.

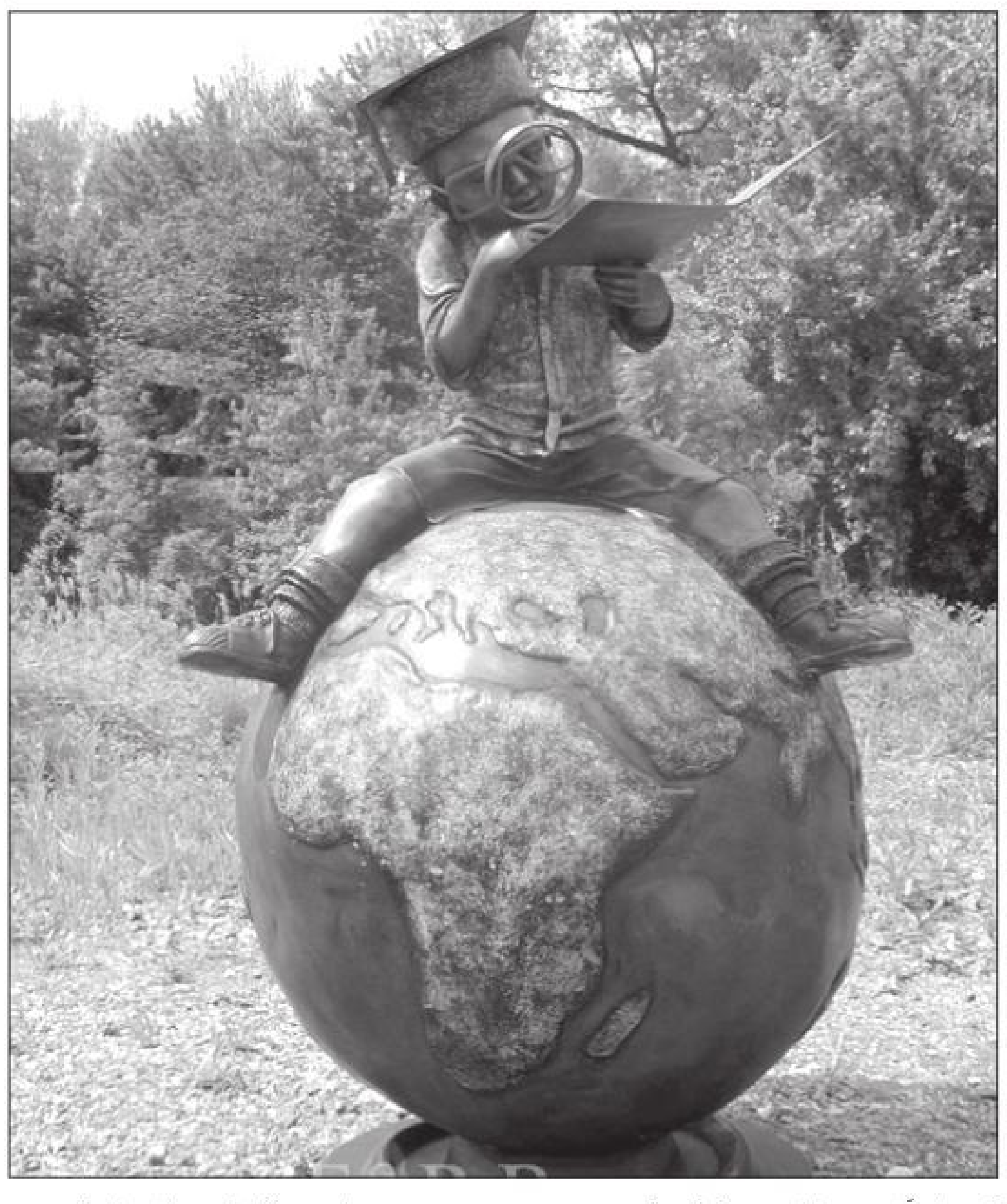

عناوین چشم‌پرکن

برویم سراغ اصل ماجرا. بد نیست این بخش، به نمونه‌هایی از این عناوین جذاب و گاه فانتزی اشاره کنیم تا خوانندگان گرامی خود قضاوت کنند. تأکید می‌شود فهرست حاضر تنها ناظر بر چند نمونه از عناوین آثار چاپ شده است: «فیلسوفان چرا نمی‌خندند؟»، «فیلسوفان خندان»، «فیلسوفان گریان»، «فیلسوفان بدکردار»، «فیلسوفان مرده»، «فیلسوفان در خیابان»، «فیلسوفان سینما»، «فیلسوفان دنیایی»، «فیلسوفان صلح و جنگ»، «فیلسوفان هیتلر»، «فیلسوف و فقرایش»، «فلاسفه ناکام در عشق»، «فیلسوفی در تعمیرگاه»، «محفل فیلسوفان خاموش»، «ملکه‌های فیلسوف»، «فلسفه در اتاق خواب»، «فلسفه در کلاس درس»، «فلسفه در عمل»، «مثل فیلسوف نوشتن»، «جدال فیلسوفان»، «فیلسوف دل»، «عکاس و فیلسوف»، «فوتبال و فلسفه»، «کوهنوردی و فلسفه»، «فلسفه برای زندگی و دیگر موقعیت‌های حساس»، «فلسفه برای همه»، «فلسفه جسمانی»، «فلسفه تنهایی»، «چگونه فیلسوف شدم؟»، «هراس از معرفت»، «حمام فلسفه»، «فلسفه‌ای برای زندگی»، «در ستایش دیوانگی»، «تسلی‌بخشی‌های فلسفه»، «بفرمایید فلسفه»، «فلسفه در ۵۲ قصه»، «زندگی خوب: ۳۰ گام فلسفی برای کمال بخشیدن به هنر زیستن»، «فلسفه به وقت سه صبح»، «فلسفه به زبان ساده»، «دور دنیای فلسفه در هشت روز»، «فلسفه و فمینیسم»، «کنسرو فلسفه»، «رهایی از زندان ذهن»، «در کافه اگزیستانسیالیستی»، «کافهٔ پرسش»، «کافه‌ای به نام چرا»، «پرسش‌های کشنده»، «پرسش‌های اولین و آخرین»، «پرسش‌های بنیادین فلسفه»، «پرسش‌های زندگی»، «پرسیدن مهمتر از پاسخ دادن است»، «هنر شفاف اندیشیدن»، «تفکر انتقادی»، «درست استدلال کردن»، «هنر همیشه برحق بودن»، «راز فال ورق»، «سرهم‌بندی نکن!»، «فلسفه ملال»، «فلسفه دوستی»، «دعوت به فلسفه»، «فلسفهٔ فشن»، «فلسفه در چند دقیقه» و...

عجب عناوین جذابی! همچنان بر این فهرست رنگارنگ می‌توان افزود و به عناوین بسیار دیگری نیز اشاره داشت. گویی در دنیای فلسفه اتفاقی افتاده یا در شرف وقوع است و آثار فلسفی رفته‌رفته وارد متن جامعه می‌شوند. هرچه هست، باید آن را به فال نیک گرفت و امیدوار بود. بعید می‌دانم کسی علاقه‌مند به فلسفه و فلسفه‌ورزی باشد و این کتاب‌ها را در قفسه‌های کتابفروشی‌ها ببیند، اما بی‌اعتنا از کنارشان بگذرد.

تازه می‌شد این عناوین جذاب‌تر و چشم‌پرکن‌تر از اینها هم باشد وقتی کتاب‌های فلسفی از جغرافیای اندیشه خودمان و متناسب با سنت فکری ما ایرانیان نوشته می‌شود. چه خوب است که نویسندگان و متخصصان وطنی در حوزه فلسفه نیز دست به کار شوند و با پرداختن به موضوعات متنوع دنیای اندیشه و انتخاب عناوین جذاب و امروزی‌پسند، رونق بیشتری به کتابخانه‌ها ببخشند و با آثار خوش‌خوان خود، فلسفه را تبدیل به دانشی کاربردی برای استفاده در زندگی روزمره بکنند.

بخش دوم: همسفر

هر گاه خیال سفر به سرم می‌زند، دلشوره می‌گیرم. دلم نمی‌آید چند روزی از کتابخانه جدا شوم! از شما چه پنهان، دوست دارم مثل حلزون کتاب‌هایم را کول کنم و با خود ببرم و هر گاه لازم شد بخوانم! لحظه جدایی، در کتابخانه قدری این پا و آن پا می‌کنم و دقایقی به کتاب‌ها زُل می‌زنم. درمی‌مانم کدام یک از نخوانده‌ها را همسفر خود کنم: تاریخی، ادبی، فلسفی، خاطرات؟ تصمیم سختی است. بیشتر مواقع در آخرین لحظات به سمت زندگینامه‌ها یا سفرنامه‌ها کشیده می‌شوم؛ شاید از این جهت که با حال و هوای سفر سازگارترند. خوب است اگر مطالعه برخی کتاب‌ها، به مناسبت یا به فراخور حال صورت پذیرد؛ مثلا سفرنامه در سفر خوانده شود، خاطرات و زندگینامه در زمان دلتنگی، شعر در حالت شوریدگی، تاریخ به وقت غلیان روحیه گذشته‌گرایی، و فلسفه به هنگام جوشش پرسشگری، و رمان در وقت کسالت و خستگی و...

کتابخوانی به هنگام سفر لطف دیگری دارد. به‌ویژه آنکه سفرنامه هم باشد. پنداری همزمان سفری دوگانه را تجربه می‌کنیم: سفری با پای خود و سفری با قلم نویسنده. سفرنامه‌ها نشان می‌دهند بزرگان در سفر چه می‌کردند، به کجاها می‌رفتند، چه آثار تاریخی و مناظری را از نظر می‌گذراندند، با چه کسانی نشست و برخاست داشتند و... بدین‌سان بیشتر به تاریخی‌کردن سفرها می‌اندیشیم.

باری، چند کتاب از همان جنس که به طرفشان کشیده می‌شوم را از کتابخانه بیرون می‌کشم و در چمدان می‌گذارم و از شما چه پنهان، اقبالی به خواندن کتاب الکترونیکی ندارم؛ خوشتر آن دارم که کتاب را ببینم، با انگشتانم صفحاتش را ورق بزنم و کیفیت کاغذشان را تمییز دهم. کتاب را نوازش کنم و گرمای وجودش را احساس نمایم تا خواندن به من بچسبد و در ذهن و ضمیرم خانه کند. این‌جوری احساس می‌کنم با کتاب نزدیکترم، مأنوس‌ترم و اصلا با یک موجود زنده مواجهم.

به مقصد که می‌رسم، قبل از هر چیز می‌روم سراغ همان کتاب‌ها. از چمدان بیرون می‌آورمشان، با احترام گوشه‌ای می‌گذارم و مترصد فرصتم که با اشتیاق بخوانمشان. دریغا، فرصتی که در برخی سفرها کمتر دست می‌دهد. با این حال، در طول سفر روز و شبی نیست که با همسفرهایم ننشینم و به بهانه‌هایی همکلامشان نشوم؛ هر چقدر که خسته باشم و یا وقت کم بیاورم، وفاداری‌ام را به آنها نشان می‌دهم. گاه که فرصت بیشتری دست می‌دهد، همکلامی با همسفرهایم در روز به چند ساعت نیز می‌کشد؛ احساس می‌کنم در آن شهر غریب تنها نیستم. چند تن از دوستان را به همراهَ دارم. بدین ترتیب لذت سفر دوچندان می‌شود. احساس می‌کنم همچنان در خلوت کتابخانه نشسته‌ام و کتابی در دست، چشم بر سطرهایش می‌دوانم؛ دور از غوغای کوچه و خیابان، با انبوهی از کتاب‌های رنگ و وارنگ، همان دوستان همیشگی‌ام.

سفر زمانی خاطره‌انگیزتر می‌شود که همسفرهایم برای گفتن چیزی در چنته داشته باشند. هر صفحه‌ای از آن را که باز می‌کنم، مطالب بکر و خواندنی مثل چشمه آبی بریزد بیرون. ماندگارترین مطالب برای من مطالبی است که از زبان همین همسفران دستگیرم می‌شود. در ذهنم برای همیشه می‌ماند. هیچ‌گاه حرفشان از یادم نمی‌رود. هرگاه جلد کتاب‌ها را در قفسه کتابخانه می‌بینم مرا به یاد آن سفرهای دور و نزدیک در سالهای پیش می‌اندازد. بسیاری از کتاب‌هایم تداعی‌گر همین سفرها هستند.

امان از موقعی که کتابی را بخوانم و چیزی دستگیرم نشود و مثلا همین‌طور برای وقت‌گذرانی خوانده باشم. ذائقه‌ام به تلخی می‌گراید، خسته و بیزار می‌شوم. دلم می‌سوزد برای ساعت‌هایی که به پایش ریختم. بدی نثار خود می‌کنم که با چنین کتابی همسفر شده‌ام! این نوع کتاب‌ها جز هیجان ناچیز ناشناختگی، چیزی در چنته ندارند. نویسنده‌ای که هیجانش را روی کاغذ خالی می‌کند و جز این هم چیزی برای عرضه ندارد، نباید تعجب کند که نوشته‌اش چرا بر دل مخاطب نمی‌نشیند. این درست است که خواننده وظیفه‌اش خواندن است و نویسنده هم وظیفه‌اش نوشتن؛ اما تمام سخن این است که نویسنده چه نوشته است و با نوشته‌اش چه گره‌ای از مخاطب گشوده است؟ کتاب‌های این‌چنینی لذت خواندن را از خواننده می‌گیرد. تازه جای شکر دارد اگر خواننده از هر چه کتاب است بیزار نشود! هرچند چنین کتاب‌هایی کمتر در تُورم می‌افتند؛ چراکه در اقیانوس نشر موجود غالبا از قطب‌نمایی استفاده می‌کنم که در گزینش کتاب راهنمایم باشد.

خدا نکند سفرم دراز شود و کتاب کم آورده باشم؛ ناخوش می‌شوم، غم غربت به من دست می‌دهد. خود را بی‌پناه احساس می‌کنم. در چنین وضعیتی لذت سفر زدوده می‌شود. آنگاه به چیزی جز بازگشت نمی‌اندیشم. دلم هوس دیار می‌کند. در اولین فرصت بار و بندیل می‌بندم و به خانه بازمی‌گردم. پناه می‌برم به همان کتابخانه و کتاب‌های نخوانده.

دروزی‌ها

جیمز بر ترجمه هما کریمی‌راد بخش دوم

عثمانی‌ها به شهرت دهشتناک دروزی‌ها با احترام نگاه می‌کردند و آنها را از پرداخت مالیات و انجام خدمت سربازی معاف کرده بودند. فرانسویان هم در نهایت مجبور به ادامه همان سیاست شدند. با فوت سلیم اطرش در سپتامبر ۱۹۲۳، فرانسه مصمم شد جبل را تحت کنترل شدیدتر قرار دهد. می‌دانستند دروزی‌ها روابط تنگاتنگی با بریتانیا دارند؛ لذا هنگامی که خانواده اطرش با جانشینی فردی دیگر به جای سلیم موافقت نکرد، فرانسوی‌ها افسر جوان خشنی به نام گابریل کاربیله را به عنوان فرماندار منطقه منصوب کردند.

گابریل که «روبسپیر بدون گیوتین» توصیف می‌شد، با اشتیاق فراوان با ساختن جاده، مدرسه، سیستم‌های آبیاری و ایجاد دادسرا در شهر اصلی جبل ـ سویداء ـ شروع به تضعیف قدرت خانواده اطرش کرد. انجام این اقدامات با کار اجباری صورت گرفت. مجازات یکی از افراد خانواده اطرش آن بود که سنگ بشکند. کاربیله پس از یک سال و سرخوش از ساخت‌وسازهای انجام شده، در حالی که بسیار مورد تنفر بود، اوایل سال ۱۹۲۵ به تعطیلاتی طولانی رفت. سلطان اطرش موقع را غنیمت دانست و از عملکرد او نزد کمیسیونر عالی در بیروت شکایت کرد. کمیسیونر عالی شصت‌ونه ساله، موریس سارای ژنرال سابق، اوایل ژانویه ۱۹۲۵ و همزمان با آشفتگی سیاست‌های داخلی در فرانسه، وارد بیروت شد. در آن زمان، دوبرابر شدن بدهی دولت طی پنج سال از زمان پایان جنگ، موجب کاهش شدید ارزش فرانک در سال ۱۹۲۴ شده بود. این بحران مالی موجب سرنگونی دولت سرسخت ریموند پوانکاره گردید که شهر «رور» را ـ هنگامی که آلمان ثابت کرد قادر به پرداخت غرامت مصوب کنفرانس صلح نیست ـ اشغال کرد. ادوارد هریوت کارتل دگوش، همان سال با شعار «برای صلح» و «علیه قدرت پول» برنده انتخابات شد. اما او هم نتوانست از سقوط ارزش فرانک جلوگیری کند.

به‌رغم عجیب بودن چنین تفکری برای یک افسر نظامی ارشد، سارای آشکارا از هریوت دست‌چپی حمایت می‌کرد و دشمنان بی‌شمارش مدعی بودند که دریافت منصب در بیروت، پاداش همان پشتیبانی بوده است. اما این دور از انصاف بود. سارای مدتی طولانی منتقد جدی سیاست‌های دولت ناسیونالیست در سوریه بود؛ زیرا این سیاست‌ها را تنها برای «یک مشت تاجر و دلال مالی» و کلیسای کاتولیک مفید می‌دانست. هریوت به این دلیل سارای را به بیروت فرستاد تا سیاست‌های ژنرال قبلی را محکوم کند و به دنبال رویکردی جهت بهبود روابط با اکثریت مسلمان باشد. مشکل آن بود که این کار، چرخشی بسیار خطرناک بود. گای سالزبوری جونز ـ افسر بریتانیایی رابط با ارتش فرانسه ـ چنین نوشت: «وانهادن حمایت همه‌جانبه از مسیحیان که سالهای زیادی زمان برد تا تحکیم شود، به نفع سیاستی نامطمئن در جهت کسب حمایت بی‌نهایت شکننده با مسلمانان، خیلی عاقلانه نیست.» ورود سارای و اصطکاکی که ایجاد کرد، انجام آن را مشکل‌تر نمود.

سالزبوری جونز معتقد بود که سارای «۲۴ ساعت نشده که وارد کشور شد»، حمایت همه مسیحیان و کارکنان هموطن خود را از دست داد. اولین لغزش سارای، برکناری یک ژنرال فرماندار محافظه‌کار مسیحی لبنان بود. شورای نمایندگان لبنان ـ ساختاری فاقد قدرت که گورو بنیاد نهاده بود ـ می‌بایست سه نفر کاندیدای جدید مطرح می‌کرد؛ اما وی به فهرست کوتاهی که آنان دادند، بسنده کرد. وقتی یکی از آن سه نفر را که یک قاضی باهوش در بیروت به نام امیل اده بود ـ تنها به این دلیل که فکر می‌کرد ارتباط نزدیکی با کلیسا دارد ـ حذف کرد، شورا از ادامه همکاری با وی سر باز زد، لذا مجبور شد فرمانداری فرانسوی منصوب کند. برنامه او برای آشتی با ملی‌گراها و دادن پیشنهاد انتخابات مستقیم به آنان، در بازگشت به پاریس با امتناع هریوت مواجه شد. پس از آن نیز، هنگامی که در ماه فوریه دیداری از دمشق داشت، به گفته یکی از شهود که در مراسم ورود او حاضر بود «نه سلامی، نه لبخندی، نه خوشامدگویی یا هلهله جمعیت»، بلکه با سکوتی سهمگین مواجه شد. لذا وقتی دولت هریوت سقوط کرد، کاملا بی‌پناه ماند. نه‌تنها به دلیل عدم پشتیبانی در پاریس، بلکه به دلیل نفرت مسیحیان و مسلمانان و از همه بالاتر، کارکنان رسمی خودش، در وضعیت بسیار بدی قرار داشت.

سلطان اطرش فهمیده بود که دست و پای سارای بسته است، زمان را برای شکایت از رفتار کاربیله مناسب شمرد. اما زمانی که هیأت نمایندگی دروزی‌ها به بیروت رسید، کمیسیونر عالی از ملاقات با آنان سر باز زد. شاید به این دلیل که ژنرال قدرت خود را در حال زائل شدن می‌دید و فکر کرد این کار آسان‌ترین راه برای اعاده حیثیتش باشد. دوکه ـ معاون اول که به پایان کار خود نزدیک می‌شد ـ موقعیت جبل را برای وی «کم‌اهمیت» و منطقه‌ای با «حدود ۵۰هزار نفر سکنه» عنوان کرده بود. آنچه این فرانسوی هنوز نمی‌دانست، این بود که ده‌هزار نفر از همین جمعیت، مسلح بودند. هنگامی که در اوایل جولای ۱۹۲۵، در سویداء ـ جبل ـ تیراندازی‌هایی صورت گرفت، سارای، تامی مارتین ـ رئیس اطلاعات دمشق ـ را مسئول رسیدگی به مسئله کرد. وقتی مارتین وقوع شورشی قریب‌الوقوع را به او متذکر شد، سارای دستور داد تا چهار رهبر اصلی دروزی‌ها را به دمشق دعوت کنند. سه نفر دعوت را پذیرفتند که هنگام ورود به پایتخت به زندان برده شدند. تنها کسی که به دام نیفتاد، سلطان اطرش بود، زیرا پدرش هم درست به همین نیرنگ گرفتار شد که به بهای جانش تمام شده بود!

ادامه دارد

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۴۴۶۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۵۶۶۶۸

احتراماً بدینوسیله از کلیه سهامداران یا قائم مقام قانونی ایشان در شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که ساعت ۱۳:۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۲۵ واقع در تهران، خیابان شریعتی، دوراهی قلهک، شماره ۱۴۲۸ بیمارستان کیان تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه: - تغییر نام و اصلاح ماده مربوطه در اساسنامه شرکت

هیئت مدیره شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۴۴۶۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۵۶۶۶۸

احتراماً بدینوسیله از کلیه سهامداران یا قائم مقام قانونی ایشان در شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که ساعت ۱۱:۰۰ صبح مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۲۵ واقع در تهران، خیابان شریعتی، دوراهی قلهک، شماره ۱۴۲۸ بیمارستان کیان تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه: - افزایش سرمایه و اصلاح ماده مربوطه در اساسنامه شرکت

هیئت مدیره شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۴۴۶۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۵۶۶۶۸

احتراماً بدینوسیله از کلیه سهامداران یا قائم مقام قانونی ایشان در شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که ساعت ۹:۰۰ صبح مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۲۵ واقع در تهران، خیابان شریعتی، دوراهی قلهک، شماره ۱۴۲۸ بیمارستان کیان تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۹/۱۲/۳۰.
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۳- انتخاب بازرسین اصلی و علی البدل.
۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار.

هیئت مدیره شرکت گروه پزشکی کیان (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
شرکت ایده های تجارت هوشمند سیمرغ
به شماره ثبت ۴۳۸۴۶۱
و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۱۳۳۹۵

بدینوسیله از کلیه سهامداران و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که راس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۶، در محل قانونی شرکت به نشانی: تهران خیابان ولیعصر، بعد از پل همت، نرسیده به میدان ونک، نبش کوچه دوازدهم، پلاک ۲۴۱۳، برگزار می‌شود، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱-انتخاب اعضای هیئت مدیره
۲-سایر امور که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده است.

هیئت مدیره

آگهی دعوت (نوبت دوم) مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
شرکت آماد پلیمر(سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۱۶ وشناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۶۰۲۵۰
با توجه به عدم حصول حدنصاب قانونی در جلسات مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول ساعت ۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۲ بدینوسیله ازکلیه سهامداران شرکت آماد پلیمر (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که راس ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۳ درمحل قانونی شرکت تشکیل خواهد شد.حضور به هم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده :
انتخاب مدیران و سایر تصمیماتی که درصلاحیت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده باشد.
هیئت مدیره شرکت آماد پلیمر

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده
شرکت گارنی (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۸۷۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۳۷۲۰۹
بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده راس ساعت ۹ روز پنج شنبه ۱۴۰۰/۰۴/۲۴ در محل قانونی شرکت به نشانی: تهران میدان آرژانتین - خیابان خالد اسلامبولی - خیابان ۳۵- پلاک ۱۳- طبقه اول تشکیل می گردد حضور به هم رسانند. **دستور جلسه:** ۱-انتقال سهام. ۲-تقلیل تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت
هیئت مدیره شرکت گارنی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه
شرکت گارنی (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۸۷۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۳۷۲۰۹
بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه راس ساعت ۱۰ روز پنج شنبه ۱۴۰۰/۰۴/۲۴ در محل قانونی شرکت به نشانی: تهران میدان آرژانتین خیابان خالد اسلامبولی - خیابان ۳۵ پلاک ۱۳ طبقه اول تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: ۱-استماع گزارش سالیانه هیئت مدیره. ۲-انتخاب اعضای اصلی هیئت مدیره و اعضای علی البدل شرکت. ۳-انتخاب بازرسین شرکت (اصلی و علی البدل). ۴-مذاکره در مورد مسائل مرتبط شرکت. ۵-تعیین روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های شرکت
هیئت مدیره شرکت گارنی

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت منحله صنعت پخش غدیر سهامی خاص
(در حال تصفیه) به شماره ثبت ۳۴۲۸۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۸۸۶۹۱ (نوبت اول)
در اجرای ماده ۲۲۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت بدین وسیله از کلیه بستانکاران شرکت منحله صنعت پخش غدیر سهامی خاص (در حال تصفیه) به شماره ثبت ۳۴۲۸۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۸۸۶۹۱ درخواست می شود در صورت داشتن طلب از شرکت فوق با در دست داشتن اسناد معتبر ظرف مدت شش ماه از انتشار اولین آگهی به اینجانب علی ابوالفتح زاده خلیلی به شماره ملی ۰۰۳۲۹۴۶۰۳۱ مدیر تصفیه شرکت فوق به نشانی: تهران- خیابان احمد قصیر، کوچه پنجم، پلاک ۱۵، واحد ۳ کد پستی ۱۵۱۳۷۱۸۶۱۵ جهت تسویه حساب مراجعه نمایند.
باتشکر
مدیر تصفیه – علی ابوالفتح زاده خلیلی

آگهی مزایده اجاره داروخانه
درمانگاه شبانه روزی فولاد
شرکت سلامت بهداشت و درمان صنعت و معدن نوین در نظر دارد داروخانه درمانگاه شبانه روزی فولاد را از طریق مزایده و یا انعقاد عقد اجاره به اشخاص واجد شرایط و دارای سابقه فعالیت واگذار نماید.
واجدین شرایط می توانند به مدت ۷ روز از تاریخ درج آگهی جهت دریافت اسناد در ساعات اداری به آدرس: تهران خیابان ولیعصر(عج) بالاتر از چهارراه انقلاب، کوچه نیکویی، پلاک ۲ مراجعه نمایند. شماره تماس: ۶۶۴۶۹۲۲۰ داخلی ۱۳۶ یا ۲۲۹ یا ۲۳۲.
۱-زمان تحویل پیشنهادها: مدت ۱۰ روز از پایان تاریخ دریافت اسناد تعیین گردیده است.
۲-هزینه خرید اسناد: مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به صورت فیش واریزی به شماره حساب ۰۱۰۷۱۵۹۰۶۸۰۰۰ بانک ملی شعبه صبا می باشد.
۳-هزینه چاپ آگهی و کارشناسی به عهده برنده خواهد بود.
۴-شرکت در رد و یا قبول هریک و یا تمامی پیشنهادها مختار خواهد بود.
شرکت سلامت بهداشت و درمان صنعت و معدن نوین

آگهی فراخوان جذب اشخاص واجد شرایط جهت مشارکت
در داروخانه درمانگاه بازنشستگان البرز شرقی (شاهرود)
شرکت سلامت بهداشت و درمان صنعت و معدن نوین در نظر دارد داروخانه درمانگاه بازنشستگان البرز شرقی (شاهرود) را از طریق مشارکت به اشخاص واجد شرایط و دارای سابقه فعالیت واگذار نماید.
واجدین شرایط می توانند به مدت ۷ روز از تاریخ درج آگهی جهت اطلاع از شرایط ودریافت اسناد مزایده در ساعات اداری به آدرس: شاهرود، خیابان تهران، روبروی دادگستری، درمانگاه زغالسنگ البرز شرقی مراجعه نمایند. شماره تماس: ۳۲۳۹۰۹۴۴.
۱-زمان تحویل پیشنهادها: مدت ۱۰ روز از پایان تاریخ دریافت اسناد تعیین گردیده است.
۲-هزینه خرید اسناد: مبلغ: ۵۰۰۰۰۰ ریال به صورت فیش واریزی به شماره حساب ۰۱۰۷۱۵۹۰۶۸۰۰۰ بانک ملی شعبه صبا می باشد.
۳-هزینه چاپ آگهی به عهده برنده خواهد بود.
۴-شرکت در رد و یا قبول هریک و یا تمامی پیشنهادها مختار خواهد بود.
شرکت سلامت بهداشت و درمان صنعت و معدن نوین

شرکت توزیع نیروی برق استان البرز
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (نوبت دوم)

شماره مناقصه شماره فراخوان در سامانه ستاد	موضوع مناقصه	مبلغ پایه مناقصه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	تاریخ تحویل پاکتها	تاریخ بازگشایی پاکتها
۱۴۰۰۲۴ ۲۰۰۰۰۰۵۲۲۱۰۰۰۰۲۴	تامین برق متقاضیان در منطقه برق شرق - کرج گروه ۱	۲۳,۱۱۳,۹۷۴,۴۰۰	۱,۳۴۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۴۰۰/۵/۲ ساعت ۱۳:۳۰	۱۴۰۰/۵/۳ ساعت ۸:۳۰
۱۴۰۰۲۹ ۲۰۰۰۰۰۵۲۲۱۰۰۰۰۲۹	تامین برق متقاضیان در منطقه برق شرق - کرج گروه ۲	۸,۵۷۸,۴۲۲,۶۰۰	۸۵۸,۰۰۰,۰۰۰		۱۴۰۰/۵/۳ ساعت ۸:۴۵
۱۴۰۰۲۵ ۲۰۰۰۰۰۵۲۲۱۰۰۰۰۲۵	تامین برق متقاضیان در منطقه برق غرب کرج -۹۹- گروه ۱	۱۵,۷۲۸,۶۷۶,۳۵۰	۱,۱۱۲,۰۰۰,۰۰۰		۱۴۰۰/۵/۳ ساعت ۹:۰۰
۱۴۰۰۲۶ ۲۰۰۰۰۰۵۲۲۱۰۰۰۰۲۶	تامین برق متقاضیان در منطقه برق غرب کرج -۹۹- گروه ۲	۱۷,۲۸۱,۳۵۳,۹۵۰	۱,۱۶۹,۰۰۰,۰۰۰		۱۴۰۰/۵/۴ ساعت ۹:۳۰
۱۴۰۰۲۷ ۲۰۰۰۰۰۵۲۲۱۰۰۰۰۲۷	تامین برق متقاضیان در منطقه برق غرب کرج -۱۴۰۰- گروه ۱	۱۱,۷۶۴,۳۱۲,۲۲۰	۹۱۴,۰۰۰,۰۰۰		۱۴۰۰/۵/۴ ساعت ۱۰:۰۰
۱۴۰۰۲۸ ۲۰۰۰۰۰۵۲۲۱۰۰۰۰۲۸	تامین برق متقاضیان در منطقه برق غرب کرج -۱۴۰۰- گروه ۲	۱۵,۷۱۴,۵۱۴,۱۷۰	۱,۱۱۱,۰۰۰,۰۰۰		۱۴۰۰/۵/۴ ساعت ۱۰:۳۰

۱- دستگاه مناقصه گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان البرز
۲- شرایط لازم: شرکت‌های دارای رتبه بندی معتبر از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (حداقل رتبه ۵ نیرو)
۳-مهلت خرید و محل دریافت اسناد مناقصه متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۳ لغایت ۱۴۰۰/۴/۱۷ با مراجعه به درگاه www.setadiran.ir نسبت به خرید و دانلود اسناد اقدام نمایند.
۴-قیمت پایه مناقصه: به شرح مندرج در اسناد مناقصه و جدول فوق می باشد.
۵-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: به شرح مندرج در اسناد مناقصه و جدول فوق می باشد که مناقصه گران بایستی سپرده مذکور را بصورت ضمانت نامه بانکی یا فیش بانکی واریزی به حساب شماره ۰۱۰۲۷۹۵۱۲۶۰۰۶ نزد بانک ملی شعبه آموزش و پرورش کرج و یا چک بانکی تضمینی و یا ضبط از حساب مطالبات تایید شده مناقصه گر نزد مناقصه گزار ارائه نمایند.
۶-محل تحویل پیشنهادها: دبیرخانه امور تدارکات واقع در کرج -بلوار طالقانی شمالی -بالاتر از پل آزادگان -ابتدای بلوار امام رضا(ع) -طبقه دوم
۷-زمان اعتبار پیشنهاد قیمت مناقصه گران: از تاریخ تحویل پیشنهاد بمدت سه ماه
*بدیهی است به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در این فراخوان واصل می گردند مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
*سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
*هزینه آگهی و کارمزد سامانه ستاد بر عهده برنده مناقصه می باشد.
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان البرز

آگهی پذیره نویسی افزایش سرمایه
شرکت گروه سرمایه گذاری البرز (سهامی عام)
ثبت شده به شمارهٔ ۱۱۱۶۸ با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۴۳۹۰۸

به اطلاع می رساند به استناد مصوبهٔ مجمع عمومی فوق العاده شرکت گروه سرمایه گذاری البرز (سهامی عام) مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ و مجوز شمارهٔ ۰۳۰-۰۰۴/۷۳۲۷۶۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ سازمان بورس و اوراق بهادار، مقرر گردید سرمایهٔ شرکت از طریق صدور سهام جدید از مبلغ ۴,۸۰۰,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به مبلغ ۸,۴۰۰,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، منقسم به ۸,۴۰۰,۱۰۰,۰۰۰ سهم ۱,۰۰۰ ریالی به شرح زیر افزایش یابد:
۱) **سرمایه فعلی شرکت:** ۴,۸۰۰,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲) **مبلغ افزایش سرمایه:** ۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳) **مبلغ سرمایه پس از افزایش:** ۸,۴۰۰,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴) **ارزش اسمی هر سهم:** ۱,۰۰۰ ریال
۵) **تعداد سهام عرضه شده:** ۱,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم
۶) **نوع سهم:** عادی با نام
۷) **محل افزایش سرمایه:** افزایش سرمایهٔ شرکت از محل و به تفکیک زیر انجام خواهد شد: ۱,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از محل مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی، ۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از محل سایر اندوخته ها
۸) **موضوع افزایش سرمایه:** اصلاح ساختار مالی
۹) به هر صاحب سهم، در ازای هر ۱۰۰ سهم متعلقه در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ تعداد ۲۲ حق تقدم خرید سهم جدید و تعداد ۵۲ سهام جایزه تعلق می گیرد. بدیهی است تعداد دقیق سهام و حق تقدم های متعلقه هر سهم در گواهینامهٔ حق تقدم محاسبه و به سهامداران اعلام خواهد شد.
۱۰) سهامدارانی که ظرف مدت هفت روز از تاریخ انتشار آگهی به علت تغییر آدرس و یا به هر دلیل، گواهینامهٔ حق تقدم خود را دریافت ننمایند، می توانند جهت دریافت گواهینامهٔ مربوطه به آدرس مندرج در بند ۱۲ این آگهی مراجعه نمایند.
۱۱) مهلت استفاده از حق تقدم در خرید سهام جدید، ۶۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی می باشد.
۱۲) سهامداران محترمی که تمایل به استفاده از حق تقدم خود دارند، حسب مورد باید براساس موارد بیان شدهٔ زیر اقدام نمایند:
- سهامدارانی که به موجب گواهی حق تقدم خرید سهام جدید، فاقد مطالبات بوده و یا مطالبات آنان، بهای سهام جدید را تأمین نمی کند، می بایست ظرف مهلت مقرر بهای سهام یا مابه‌التفاوت آن را به حساب شمارهٔ ۴۷۰-۰۰۰-۳۱۷۵۱۰-۶۰۰ این شرکت نزد بانک پارسیان شعبهٔ حافظ شمالی کد ۱۰۳۹/۵ واریز و رسید بانکی مربوطه را به انضمام گواهینامهٔ حق تقدم خرید سهام جدید، ظرف مهلت استفاده از حق تقدم، با پست سفارشی به نشانی: تهران میدان آرژانتین خیابان احمدقصیر (بخارست) خیابان پنجم پلاک ۱۱ کدپستی ۱۵۱۳۷۱۸۱۱۱ ارسال نموده و یا مدارک را به آدرس تهران میدان آرژانتین خیابان احمدقصیر (بخارست) خیابان پنجم پلاک ۱۱ کدپستی ۱۵۱۳۷۱۸۱۱۱ تحویل و رسید دریافت نمایند.
* سهامدارانی که به موجب گواهینامهٔ حق تقدم خرید سهام جدید، دارای مطالبات به میزان بهای سهام جدید می باشند، می بایست ظرف مهلت مقرر ضمن تکمیل گواهی حق تقدم، مبنی بر اعلام موافقت با تبدیل مطالبات به سرمایه، مراتب را با پست سفارشی به نشانی: تهران میدان آرژانتین خیابان احمدقصیر (بخارست) خیابان پنجم پلاک ۱۱ کدپستی ۱۵۱۳۷۱۸۱۱۱ ارسال نموده و یا مدارک را به آدرس: تهران میدان آرژانتین خیابان احمدقصیر (بخارست) خیابان پنجم پلاک ۱۱ کدپستی ۱۵۱۳۷۱۸۱۱۱ تحویل و رسید دریافت نمایند.
تذکر: عدم ارسال مستندات یاد شده یا عدم واریز بهای اسمی، به منزله عدم استفاده از حق تقدم می باشد.
۱۳) در صورت عدم تمایل به مشارکت در افزایش سرمایه، سهامداران می توانند در مهلت تعیین شده برای پذیره نویسی نسبت به واگذاری حق تقدم خود از طریق بورس اوراق بهادار تهران اقدام نمایند. با توجه به قابلیت معاملهٔ مکرر حق تقدم خرید سهام شرکت، خریداران نهایی می بایست قبل از پایان مهلت پذیره نویسی نسبت به واریز بهای سهام جدید و ارسال مستندات به شرح بند ۱۲ اقدام نمایند. بدیهی است در صورت عدم ارسال مستندات یاد شده یا عدم واریز بهای اسمی، سهام جدید به آنها تعلق نخواهد گرفت.
۱۴) حق تقدم سهامدارانی که در مهلت مقرر از حق تقدم خود استفاده ننموده اند و همچنین پاره سهم های ایجاد شده، توسط شرکت از طریق بورس اوراق بهادار تهران عرضه و مبلغ حاصل از فروش پس از کسر هزینه ها و کارمزد متعلقه به حساب بستانکاری سهامداران منظور خواهد شد.
نکات مهم:
* مسئولیت صحت و قابلیت اتکای اطلاعات آگهی پذیره نویسی بر عهدهٔ ناشر است.
* ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرس، ارزش یابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائهٔ اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضهٔ اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آن ها باشد، متضرر گردیده اند.
* ثبت اوراق بهادار نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، به منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی و مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار و شفافیت اطلاعاتی بوده و به منزلهٔ تأیید مزایا، تضمین سودآوری و یا توصیه و سفارشی در مورد شرکت ها یا طرح های مرتبط با اوراق بهادار توسط سازمان نمی باشد.
* با توجه به زمان برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانهٔ شرکت، این افزایش سرمایه تا تاریخ برگزاری مجمع نزد مرجع ثبت شرکت ها به ثبت خواهد رسید.
* سایر افرادی که تمایل به خرید حق تقدم عرضه شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارند جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فعالیت شرکت می توانند به سایت اینترنتی شرکت به آدرس WWW.alborzinvest.ir مراجعه و یا با شمارهٔ تلفن ۸۸۴۸۰۱۶۱-۵ تماس حاصل نمایند.
* گزارش توجیهی هیئت مدیره در خصوص افزایش سرمایه، گزارش بازرس قانونی در این خصوص و همچنین بیانیهٔ ثبت سهام جدید در سایت اینترنتی شرکت به آدرس WWW.alborzinvest.ir و سیستم جامع اطلاع رسانی ناشران به آدرس WWW.codal.ir در دسترس می باشد.
هیئت مدیره